



# انترناسیونال

## ۸۲

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۱۹ فروردین ۱۳۸۴، ۸ آوریل ۲۰۰۵

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی



## "کمیته پیگیری"

### امکانات، ضرورت تغییر ریل، و ملزومات پیشروی

نکاتی درباره "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در ایران"

فاتح بهرامی

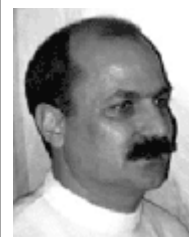
ای با سایت شورا بر ضرورت ایجاد تشکل کارگری مستقل از دولت و متکی بر مجمع عمومی تاکید کرده اند. ضرورت دفاع از این حرکت نیازی به استدلال ندارد. طبقه کارگر ایران از داشتن تشکلهای توده ای خود محروم شده و در مقابل تعرض افسار گسیخته سرمایه بیدفاع است، و کسانی راه افتاده اند و در مقابل این وضعیت تلاشی را شروع کرده اند.

صفحه ۲

مستقیم کارگران، عدم برسمیت شناسی تشکلهای دولتی خانه کارگر و شوراهای اسلامی و اعتراض به سازمان جهانی کار بخاطر برسمیت شناسی این جریانات دولتی است. اعضای این کمیته تاکنون درباره این حرکت و مسائل مربوط به آن منظورشان را روشن کرده اند، و از جمله پنج نفر از آنان در مصاحبه

بیش از چهار هزار کارگر از بیانیه آن يك حرکت مهم کارگری است که ایجاد تشکل توده ای کارگری مستقل از دولت را هدف خود گذاشته است و همین بسادگی حمایت جدی از آنرا ضروری میکند. جوهر خواست این کمیته، مستقل از فرمولبندیهای بیابیه و نحوه شروع آن، ایجاد تشکل کارگری بر اساس اراده

حدود سه ماه از تشکیل "کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری در ایران" میگذرد. سوالات و نکات مهمی درباره اهمیت این حرکت، آینده آن، ملزومات پیشروی، و موانع سر راه آن وجود دارد که اشاره مختصر به آنها موضوع این نوشته است. تشکیل این کمیته و حمایت



ستون اول

محسن ابراهیمی

ebrahimi1@yahoo.com

## قهرمان وارونه جهان وارونه!

### در حاشیه مرگ پاپ

"این دولت و این جامعه هستند که این جهان-آگاهی وارونه (یعنی مذهب) را می آفرینند، چرا که خود جهانی وارونه اند. مذهب نظریه عمومی این جهان وارونه است... بنابراین، مبارزه علیه مذهب، مبارزه با واسطه علیه آن جهانی است که مذهب رایحه روزگاری آن است"  
مارکس، نقد فلسفه حق هگل-مقدمه

در سال ۱۹۷۸، کاردینالی به نام کارول وویتلا، يك کشیش ناشناخته اهل لهستان بود. در سال ۱۹۷۹، این کشیش ناشناخته به پاپ ژان پل دوم، يك شخصیت جهانی تبدیل شد. پاپ جهانی ۷۹ همان وویتلا محلی ۷۸ بود با يك تفاوت: کاردینال ناشناخته لهستان را از منبر موعظه مذهبی در محل به تخت موعظه سیاسی در واتیکان ارتقا داده بودند. ظاهرا این فقط يك اتفاق صرف تاریخی بود که دقیقا همزمان، خمینی را، از يك روضه خوان ناشناخته محلی به يك رهبر سیاسی تبدیل کردند. دو نمونه جهالت و خرافات و بی عدالتی و ضدیت با رهایی انسان همزمان در دنیای اسلام و مسیحیت از جهان گمنام اشاعه خرافات در محل به مرتبه خدمت به ارتجاع سیاسی در سطح جهان ارتقا یافتند.

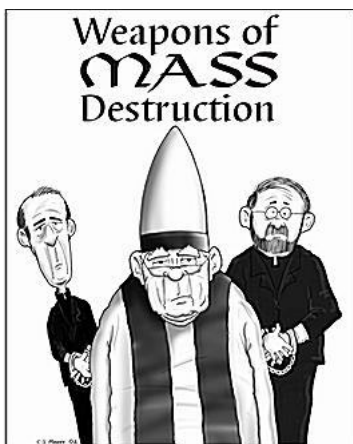
صفحه ۴

## آغاز عقب نشینی جمهوری اسلامی!

## اطلاعیه کمیته بین المللی علیه اعدام

جلسه مجدد "شورای حل اختلاف" برای پرونده کبرا رحمانپور

صفحه ۳



سلاح نابودی جمعی

تصویر مقابل را خوب تماشا کنید. گویا نیست؟ هم گویاست و هم نیست. گویاست چون مذهب باضافه تکنولوژی قدرتمند رسانه ای مساوی است با سلاح نابودی جمعی! پاپ باضافه تلویزیون مساوی است با بمب مسموم کننده شیمیایی! آن کلاه کله قندی بالای سر پاپ موشک تلویزیون است. خود پاپ هم سم کشتار جمعی است که همه روزه توسط آن موشک تلویزیون مردم جهان پرتاب میشود! اما این تصویر هنوز نصف حقیقت را نشان نمیدهد. اینکه این موشک و این سم خیلی هم کارساز نبوده اند. اینکه در بیش از دو دهه سلطنت پاپ ژان پل دوم، تعداد کشیشها و راهبه ها آب رفته است. تعداد دانشجویان کاتولیک کم شده است. تعداد زیادی مدارس مذهبی تعطیل شده است. ازدواجهای مذهبی از مد افتاده اند. کلیساها جمعیت از دست داده اند. و البته در همین مدت سرمایه داری جهانی به هر حيله ای دست زده است تا مذهب را گسترش و زندگی مردم را مسموم کند.

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

**کمیته پیگیری ...**

نحوه تشکیل‌یابی کارگران قطعا باشکال مختلفی می‌تواند صورت بگیرد و تلاشهای گوناگونی را هم شاهد خواهیم بود، و این حرکت نیز یکی از این تلاشهاست که می‌تواند گام بزرگی در راستای ایجاد تشکل کارگری بردارد و به یک حرکت تاریخی در مبارزه طبقه کارگر بدل شود.

**۱- نقطه قدرت این کمیته کدامست؟**

اقدام تشکیل دهندگان کمیته پیگیری از چند نظر اهمیت دارد. فاکتور اول همین متشکل شدن خود این دوستان در یک کمیته و راه افتادن برای عملی کردن هدفشان است. فاکتور دوم اینست که اعمال اراده مستقیم توده کارگر را در مرکز هدف خود برای ایجاد تشکل قرار داده اند. فاکتور سوم که بسیار مهم است، پشتوانه و حمایت توده ای بیش از چهار هزار کارگر در مرحله اولیه این حرکت است. این قبل از هر چیز نشان دهنده اینست که این کمیته به بخشی از کارگران و به شبکه ای از فعالین کارگری در نقاط مختلف دسترسی دارد که توانسته در مدت کوتاهی به بسیج وضعیت طبقه کارگر طوری است که زمینه را برای موفقیت و پیشروی این کمیته مساعد میکند. از طرفی جنبش اعتراضی طبقه کارگر در عکس العمل به فقر و فلاکت اقتصادی بیسابقه و بی تأمین شغلی که زندگی و آینده خانواده های کارگری را در معرض تهدید جدی قرار داده است دائما رو به گسترش است و جستجوی راه حل مقابله با این شرایط مشغله دائمی کارگران است. اما این راه حل چیزی جز متحد شدن و متشکل شدن کارگران نیست. و این می‌تواند کمیته را در مرکز توجه کارگران قرار دهد. از طرف دیگر، گسترش جنبش اعتراضی طبقه کارگر، و فاکتور جدید همبستگی طبقاتی و حمایت کارگران از مبارزات همدیگر که بارقه هائی از آن در اشکال مختلف و در نقاط مختلف ایران بوجود آمده است، زمینه ای بسیار مساعد برای ایجاد تشکل توده ای کارگران در ابعاد سراسری فراهم کرده است و این

خود به امر کمیته پیگیری خدمت میکند. اما با وجود تمام عواملی که بعنوان نقطه قدرت کمیته پیگیری به آن اشاره شد، پیشروی و موفقیت این کمیته در گرو ورود آن به مرحله دیگری از فعالیت و بکارگیری اهرمها و مکانیزمهای دیگری است. در واقع کمیته پیگیری نیازمند یک تغییر ریل در جهت انجام اقدامات و فعالیتهائی است که مستقیما ناظر بر ایجاد تشکل کارگری توسط خود کارگران و دست بکار شدن عملی آن باشد.

**۲- ایجاد تشکل کارگری امر خود کارگران است**

تعرض سرمایه داران به حقوق کارگران نه تصادفی است و نه به خلق و خو و طینت این یا آن سرمایه دار برمیگردد. استثمار کارگر اساس سرمایه داری است و زدن حقوق کارگر تا جائی که ممکن باشد منطقی هر سرمایه داری است. و در مقابل، تشکل کارگری ابزار مبارزه کارگران برای دست یافتن به حقوقشان است، ابزار دفاع از منفعت کارگر و ابزار مقاومت در مقابل تعرض سرمایه دار به حقوق کارگر است. لذا تشکل توده ای کارگران، تشکلی که از منفعت کارگر دفاع کند، وسیله و ابزاری در مقابل سودجویی سرمایه دار است و سرمایه دار آن را در مقابل منفعت خود مبینند. باین دلیل در هیچ کجای دنیا سرمایه داران و دولت که نماینده طبقه سرمایه دار است، برای کارگران تشکل بوجود نمیآورند، سرمایه دار تشکلی را که علیه منافع خود اوست برای کارگر درست نمیکند. بنابراین، واضح است که هیچ دولت بورژوازی، و بطریق اولی نوعی از آن مانند جمهوری اسلامی، نه برای کارگران تشکل واقعی درست میکند و نه راه برای آن باز میکند، نه موانع تشکل یابی کارگران را رفع میکند، و نه امکانی برای انتخاب نمایندگان واقعی کارگران باز میکند. ایجاد تشکل واقعی کارگران امر خود کارگران است. برخلاف مطالباتی مانند افزایش دستمزد و کاهش ساعت کار و غیره، ایجاد تشکل را نمیشود و نباید از دولت بورژوازی و هیچ ارگان آن

مطالبه کرد، باید کارگران خود راسا برای ایجاد آن اقدام کنند و آنرا با قدرت اتحاد خود به دولت تحمیل کنند. برسمیت شناسی تشکل کارگری توسط دولت با ایجاد آن متفاوت است. تشکل کارگری، چه شورا یا سندیکا را کارگران باید خود ایجاد کنند اما واضح است که باید از دولت و سرمایه داران بخواهند که آنرا برسمیت بشناسند، و اینجا هم فقط قدرت متحد کارگران است که میتواند این برسمیت شناسی را به دولت تحمیل کند.

آینده کمیته پیگیری در گرو اینست که منتظر پاسخ هیچ ارگان و نهادی به بیانیه خود ننشینند، چون در دنیای واقعی پاسخی در جهت خواست کمیته در کار نخواهد بود. در مقابل، کمیته لازم است سلسله فعالیتهائی را در دستور بگذارد که به تحقق اهداف آن یاری برساند. این فعالیتهها کدامند؟

**۳- ملزومات پیشروی****الف) جذب رهبران کارگری**

پیروزی هر حرکت و فعالیتی برای ایجاد تشکل توده ای کارگری در ابعاد سراسری، مستقل از اینکه در ابتدا چگونه شروع میشود، منوط به اینست که رهبران عملی مبارزات کارگری در آن دخیل باشند و نقش ایفا کنند. رهبران عملی کسانی هستند که روی توده کارگران نفوذ دارند، اعتراض و مبارزه آنان را رهبری میکنند، کارگران را حول خواستها و شعارهای معینی متحد میکنند و بحرکت درمیآورند، اعتصاب سازمان میدهند، مورد اعتماد کارگران لااقل در محدوده محیط کار خود هستند، و در یک کلام نبض تحرك و مبارزه توده کارگر در دست این رهبران است. حتی سنتهای اعتراض و مبارزه از طریق این رهبران به کارگران منتقل میشود و باین اعتبار رادیکالیسم و نمایندگی شدن منفعت طبقاتی کارگران یا سازشکاری و محافظه کاری در هر مبارزه ای بستگی به این دارد که رهبران عملی به کدامیک از گرایشات درون طبقه تعلق دارند. از اینرو نقش رهبران عملی در تشکل یابی کارگران و حتی نوع تشکل انکار ناپذیر است. هیچ شورا و مجمع عمومی و سندیکائی در یک کارخانه بدون

حضور این رهبران یا بدون خواست و اقدام موثر آنان برپا نمیشود و شکل نمیگیرد. بنابراین اولین نکته کلیدی و رمز موفقیت کمیته پیگیری در اینست که تلاش کند و بتواند رهبران عملی کارگران را جذب کند و آنها را به این حرکت ملحق کند. کمیته پیگیری اگر بتواند به مرکزی برای لااقل تجمع تعداد قابل توجهی از رهبران عملی مراکز اصلی و مهم کارگری ایران بدل بشود، آنگاه یک گام بزرگ و اساسی در جهت ایجاد تشکل سراسری کارگران برداشته است. این امکانی میشود که این رهبران دست در دست هم بگذارند و با هدف و تصمیم مشترک و به اعتبار نفوذشان در میان توده کارگران برپائی مجمع عمومی منظم را در کارخانه های ایران جاری کنند و تشکل کارگران را درست کنند. در چنین حالتی، یعنی ملحق شدن طیفی از رهبران کارگری به کمیته پیگیری، این کمیته میتواند به هیئت موسس شوراها یا هر نام مشابه آن بدل شود و اعلام موجودیت کند. اما تماس با این رهبران و جذب آنان به کمیته پیگیری چگونه میتواند متحقق شود؟

**ب) استفاده از مکانیزمهای اجتماعی شدن**

وصل شدن رهبران کارگری به کمیته پیگیری از راههای متفاوتی ممکن است، از امکانات فعالین کمیته برای تماس با این رهبران و بویژه با توجه به منبع مهم چهار هزار نفر که طومار را امضا کرده اند، تا حساسیت نشان دادن و حمایت کردن از اعتصابات کارگری بخصوص آنهائی بدلائیل اهمیت محیط کار یا طولانی شدن اعتراضات به حرکت مطرحی در جامعه تبدیل میشوند، هر کدام میتواند حلقه هائی برای اتصال کمیته با برخی رهبران کارگری باشد و لازم است به آنها توجه شود. اما یک فاکتور مهم دیگر اتکا به مکانیزمهای اجتماعی شدن است، و در اینمورد باید به امکان جدید و بی نظیر تلویزیون کانال جدید و رادیو انترناسیونال اشاره کرد. کمیته پیگیری باید تلاش کند که در دسترس قرار بگیرد، کارگران در سطح اجتماعی آنرا بشناسند و با هدف و فعالیتهایش آشنا شوند، فعالین کمیته در سطح علنی و اجتماعی ابراز وجود کنند و

برای متشکل شدن کارگران نیرو بسیج کنند و حمایت بخواهند، و تلویزیون ابزار مهمی برای انجام اینهاست. هنوز کمیته پیگیری که امر مهم ایجاد تشکل برای کارگران ایران را هدف خود قرار داده است از این مدیای مهم استفاده نکرده است. این تلویزیون متعلق به کارگران و انسانهای آزادیخواه جامعه است. چرا اعضای کمیته پیگیری از طریق تلویزیون کانال جدید و رادیو انترناسیونال، خود و اهدافشان را به کارگران ایران معرفی نمیکند و آنها را به همکاری و حمایت دعوت نمیکند و امکانهائی مختلف تماس کارگران با کمیته را اطلاع نمیدهند؟ باید رهبران کارگری کاشان را الگو قرار داد، آنها وقتی نقش تلویزیون کانال جدید را در جریان اعتصاب نساجی کردستان مشاهده کردند، تماس گرفتند و خواستند که حرفشان را بزنند و تاکنون دو بار از طریق این تلویزیون خواستها و مسائل و توقعات خود را به گوش همه کارگران رسانند و تا همین حد تاثیرات بسیار مهمی در محدوده فعالیت خود برای سازماندهی کارگران و ادامه اعتراضاتشان بر جای گذارده اند. فعالین کمیته خوشبختانه تاکنون از اینترنت برای ابراز نظرات و اهدافشان استفاده کرده اند اما این کافی نیست. استفاده از تلویزیون و رادیو میتواند این حرکت را اجتماعی کند و حلقه اتصال مهمی با دیگر رهبران کارگری بشود.

**ج) وصل شدن به جنبش افزایش دستمزد**

مطالبه افزایش دستمزد تا حدافل چهار صد و پنجاه تومان که هم اکنون جنب و جوش زیادی را در شهرهای مختلف ایران بوجود آورده، می‌رود که به یک جنبش وسیع در میان کارگران بدل شود. توجه کمیته پیگیری به این جنبش و وصل شدن به آن، نه فقط از زاویه اهمیت آن، بلکه همچنین از سر خدمت به امر تشکیل‌یابی کارگران از اهمیت جدی برخوردار است. واقعیت اینست که کارگران هنگام مبارزه و اعتراض نسبت به هر زمان دیگر متحدتر هستند، و لذا ساده تر و سریعتر متشکل میشوند. این مساله را در مورد برپائی مجامع عمومی

## آغاز عقب نشینی جمهوری اسلامی

جلسه مجدد "شورای حل اختلاف" برای پرونده کبرا رحمانپور

با اعتراضات جهانی گسترده در طی چند هفته اخیر و با اعلام خطر جدی به همه مردم و نهادها از سوی سازمان آزادی زن و کمیته علییه اعدام و همه کسانی که به این حکم اعتراض کردند، با سرازیر شدن سیل نامه‌ها و اعتراضات به مقامات حکومت اسلامی ایران، این بار در حالی که گفته بودند همه راهها بسته شده و خطر اجرای حکم اعدام وجود داشت، اعلام کردند که یکبار دیگر با خانواده مقتول جلسه خواهند گرفت.

### مردم آزاد، سازمانها و نهادهای مدافع حقوق انسانی

جمهوری اسلامی ایران زیر فشار اعتراضات در حال عقب نشینی است. برای لغو قطعی حکم اعدام کبرا مبارزات خودتان را گسترش دهید. ما باید این اعتراضات را چنان گسترش دهیم که حکومت اسلامی ایران حکم اعدام را لغو و کبرا را آزاد کند. به این جنبش اعتراضی گسترده پیوندید.

### کمیته بین المللی علیه اعدام

۲۰۰۵ آپریل ۶

شود که این تشکل "وابسته" به فلان حزب است؟ یک اتحادیه کارگری در جهان نمیشود پیدا کرد که عموماً با یکی از احزاب سوسیال دمکرات یا لیبرال دوستی و رابطه نداشته باشد یا آن احزاب در این اتحادیه‌ها نفوذ نداشته باشند. اگر گرایش رادیکال سوسیالیست در جنبش طبقه کارگر در ایران دست بالا را نداشت، آنگاه بحث عقب مانده و بورژوائی "تشکل مستقل کارگری" محلی از اعراب پیدا نمیکرد.

امیدوارم کمیته پیگیری هرچه سریعتر بتواند وضع موجود را پشت سر بگذارد و نیروی رهبران کارگری را بخود اضافه کند و بتواند با اتکا به نیروی خود کارگران برای هدف خود یعنی ایجاد تشکل کارگری مستقل از دولت و متکی بر اعمال اراده مستقیم توده کارگر گامهای جدی بردارد. برای تمامی دست اندرکاران این حرکت آرزوی پیروزی دارم. \*

کبرا رحمانپور نامی آشنا برای میلیونها نفر است. مبارزه برای لغو حکم اعدام کبرا به یک مبارزه توده ای تبدیل شده است. جمهوری اسلامی ایران بهر طریق میکوشد در مقابل این جنبش عظیم و انسانی مقاومت کند.

یکبار اعلام کردند که همه راههای "قانونی" طی شده و زمینه برای انجام این حکم آماده است. کبرا را تا پای چوبه دار بردند، ولی در اثر فشار و اعتراض و اعمال فشار حتی دولتهای غربی و کمیسیونهای حقوق بشر از کشورهای اروپایی، رژیم اسلامی این حکم را مجبور شد اجرا نکند. بعد از یکسال نبرد سنگر به سنگر با حکومت جانین در ایران، باز هم جمهوری اسلامی ایران سعی کرد شانس خود را امتحان کند. این بار گفتند که جلسه "شورای حل اختلاف" گرفته اند و خانواده مقتول راضی به "عفو" کبرا نیستند. معمولاً این آخرین سنگری است که حکومت در مقابل اعتراضات به آن میخزد. در مورد افسانه نوروژی و دیگران نیز چنین کرد.

کارگر در مجمع عمومی، هم هدف طرفداران "تشکل مستقل کارگری" را دود میکند و هم تئوری آنها را بی اعتبار میکند. اگر بنا باشد کارگر در مجمع عمومی اراده جمعی اش را اعمال کند، آنگاه استقلال مجمع عمومی از احزاب سیاسی چه معنی میتواند داشته باشد؟ فرض کنید احزاب، راست و چپ، در میان کارگران نفوذ دارند و مجمع عمومی هم بر سر مسائل مختلف کارگری تصمیم جمعی میگیرد، و بسته به اینکه کدام خط و گرایش سیاسی دست بالا داشته باشد لابد بر تصمیم مجمع عمومی تاثیر میگذارد. چگونه میشود این مکانیزم را دور زد؟ اگر در جلسه مجمع عمومی یک تشکل کارگری نظر و رای بخشی از کارگران، که فرض کنیم گرایش سیاسی یا حتی تعلق حزبی آنان نیز بر همه معلوم است، دست بالا پیدا کرد و به تصمیم جمعی کارگران بدل شد آنگاه مخالفین آن چکار میکنند؟ آیا باید داد عده ای بلند

قدیمی، لازم است که هر جا بحث استقلال مطرح میشود صریحاً بر تشکل کارگری مستقل از دولت تاکید شود.

اما بحث استقلال تشکل از احزاب و سیاست يك بحث عقب مانده، بورژوائی و در تقابل با اعمال اراده مستقیم کارگران است. ما قبلاً درباره این بحث صحبت کرده ایم و اینجا امکان توضیح مفصل نیست. اساس آن در مقابل گرایش سوسیالیستی و کمونیستی درون طبقه کارگر است. منظورشان از استقلال از احزاب و سیاست همان سوسیالیستی است و این توسط سرمداران این تئوری به صراحت بیان شده است. استقلال از سیاست تماماً مسخره است، فقط بعنوان مثال توجه کنید وقتی بر سر ۳۰ ساعت کار در هفته کسانی در درون تشکل کارگری به بهانه ورشکستگی اقتصادی یا عقب ماندگی صنعت از ۴۰ ساعت یا بیشتر دفاع کنند، و انگار این سیاست بورژوا نیست که در تشکل کارگری جا خوش کرده است. هیچ کشمکش میان کارگر و سرمایه دار از سیاست مستقل نیست، بگذریم که در حکومت اسلامی حتی وقتی برای دستمزد معوقه اعتراض بکنی با نیروی پاسدار و اوباش روبرو میشوی. درباره استقلال تشکل کارگری از احزاب هم بحث بسادگی عبارتست از سنگر بستن در مقابل گرایش سوسیالیستی درون طبقه و احزاب حامل این گرایش. اولاً باید تاکید کنم که این يك امر بدیهی است که احزاب نباید و نمیتوانند که برای تشکل کارگری تعیین تکلیف کنند. اما دیگر تشکل کارگری را نمیتوان از نفوذ سیاسی و معنوی احزاب در آنها مستقل کرد، این بی معنی است. اگر کسی قصد مغزشوئی کارگران را نداشته باشد باید بپذیرد که کارگران هم مانند انسانهای دیگر در سیاست دخیل میشوند و از احزاب گوناگون حمایت میکنند و باین اعتبار احزاب سیاسی چپ و راست نیز در تشکل کارگری، چه شورا و کمیته کارخانه باشد یا سندیکا و اتحادیه، نفوذ سیاسی و معنوی پیدا میکنند.

اما جالب اینست که طرفداران "تشکل مستقل کارگری" در مقابل مجمع عمومی کارگری حساسیت دارند و از آن اسم نمیبهرند. و این تصادفی نیست، زیرا اراده مستقیم

داشت مبارزه برای تحقق دیگر خواستههای کارگران، مانند لغو استخدام قراردادی، بیمه بیکاری، پرداخت دستمزد معوقه، کاهش ساعت کار، و مسکن و غیره خود به تشکل نیاز دارد و بدون تشکل بجائی نمیرسند. مبارزه برای این خواستها اهمیت جدی دارد اما کار این کمیته نیست، و تفاوت جنبش افزایش دستمزد هم با سایر مطالبات اینست که در حال حاضر يك تحرك وسیع در میان کارگران در جریان است و چنانکه اشاره شد توجه به آن در خدمت امر تشکلیابی است و از همین سر هم به آن تاکید شد، موارد دیگر چنین خصوصیتی ندارند.

مساله دیگری که ممکن است در مقابل کمیته پیگیری مانع و مشغله ایجاد کند بحث شناخته شده "تشکل مستقل کارگری" است. این معضل البته مربوط به آینده این حرکت و مساله متشکل شدن کارگران است و نه درباره خود کمیته. بحث "تشکل مستقل کارگری" متعلق به طیفی از فعالین انقلاب ۵۷ است که اساساً بر استقلال تشکل کارگری از سیاست و احزاب تاکید دارند (برخی از آنها استقلال از دولت را نیز مطرح میکنند). از آنجا که در بیانیه کمیته پیگیری به برسمیت شناسی تشکل مستقل کارگری تاکید شده، و علیرغم اینکه اکثر اعضای کمیته منظور خود را از "تشکل مستقل کارگری" صریحاً استقلال از دولت بیان کرده اند، اما همچنان بحث استقلال از سیاست و احزاب عمدتاً از خارج کمیته باد زده میشود. این میتواند به يك مانع و مشغله برای کمیته تبدیل شود باین دلیل که امروز عمدتاً بحث استقلال تشکل کارگری از سیاست و احزاب در مقابل مجمع عمومی و شورا و کلا در مقابل تشکل بر اساس اعمال اراده مستقیم کارگران قرار گرفته است. تشکل کارگری مورد نظر کمیته پیگیری مستقل از دولت و متکی به مجمع عمومی است، لذا لازم است این کمیته متحدانه و با هوشیاری بحث مستقل از سیاست و احزاب را بحاشیه براند و نگذارد تلاششان برای متشکل شدن کارگران با دست انداز مواجه بشود. بنظر من با توجه به وجود این بحث در میان طیف کوچکی از فعالین

بسادگی میشود مشاهده کرد. شاهد هستیم که بخش زیادی از اعتصابات و اعتراضات کارگری از کانال مجمع عمومی به پیش میرود. اما این مجامع عمومی عمدتاً پس از پایان اعتراض و اعتصاب وجود ندارند و تا مبارزه بعدی برگزار نمیشوند. اگرچه اتکای مبارزات کارگران به مجامع عمومی نشان از قدرت گرایش و سنت رادیکال سوسیالیست درون طبقه است، اما ناپایدار بودن این مجامع همان نقطه ضعف کنونی جنبش کارگری، یعنی فقدان تشکل، است. جنبش افزایش دستمزد، در صورتیکه رهبران عملی کارگران خوب کار کنند، هم بخش وسیعی از طبقه کارگر را حول خود بسیج میکند و هم يك مبارزه طولانی مدت خواهد بود. از اینرو با توجه به متحد بودن کارگران در این مبارزه و امکان گسترش مجامع عمومی بر سر این مطالبه، جنبش افزایش دستمزد يك بستر مساعد برای فعالیت کمیته پیگیری و وصل شدن به رهبران کارگری و نهایتاً در خدمت هدف کمیته است. در انتها به موانعی که میتواند بر سر راه کمیته پیگیری قرار بگیرد اشاره میکنم.

## ۴- موانع احتمالی بر سر راه کمیته پیگیری

در اینجا منظرم موانع داخلی است. اولین مانع اساسی همین وضع موجود است که "در جا زدن" نام گرفته است و بالاتر نظرم را درباره عبور از آن اشاره کردم. اما يك "راه حل" مطرح شده در مقابل این درجا زدن عبارتست از "فعال" شدن از طریق شیفت کردن به دیگر عرصه های مطالبات کارگری، یعنی عملاً تبدیل کمیته فعلی به کمیته پیگیری مطالبات کارگری. این فلسفه وجودی کمیته پیگیری را از بین میبرد. تمام اهمیت و مورد توجه قرار گرفتن این کمیته بخاطر مهمترین معضل طبقه کارگر یعنی تشکل است. انرژی صرف کردن و شیفت کردن به عرصه های دیگر، بویژه با توجه به امکانات و توان محدود کمیته فعلی، بطور ناخواسته بمعنی کنار گذاشتن عملی تلاش برای تشکل است. و باید توجه



### کابوی کاخ سفید و واتیکان در حال مبادله اطلاعات سری علیه کمونیسم!

و جهالت است. آنها متعلق به جنبشی برای جاودانه کردن نظام وارونه هستند؛ کمونیسم جنبشی برای رهایی از نظام وارونه است. نبرد آنها با کمونیسم و نبرد کمونیسم با آنها نبردی بر سر اسارت و آزادی، حقارت و حرمت، فقر و رفاه، یاس و امید، خرافات و آگاهی است. با مرگ پاپ، یک قهرمان وارونه از جهانی وارونه کم شد. همین. اما هم جهان وارونه و هم نیاز این جهان به قهرمانان وارونه همچنان سرچایش است. فقط یک جنبش میتواند و میخواهد این دنیایی را که روی کله اش راه میرود زیر و رو کند و بر سر پاهایش قرار دهد: جنبش کمونیسم کارگری. و فقط وقتی این دنیا روی پاهایش راه رود، فقر و ترس و اسارت و یاس و استیصال جای خود را به رفاه و آرامش و آزادی و امید خواهد داد. فقط آنگاه است که نیاز به آگاهی وارونه، نیاز به مذهب و سمبلهای مذهبی از بین خواهد رفت. فقط آنگاه است که پاپ و امام و خاخام و واتیکان و نجف و قم و کنیسه ها به عنوان سمبلهای دنیای وارونه، سمبلهای جنایات و خرافات بشری در ویرانههای موزه تاریخ قرار خواهند گرفت. \*

را از استفاده از کاندوم برحذر میکرد؛ کسی که در راس یک دستگاه عظیم درسته ای به نام واتیکان قرار داشت که زیر سلطه اش به هزاران کودک تجاوز میشد و این جنایات برای سالیان متمادی زیر اتوکراسی واتیکان و زنجیره کاردینالها و کلیسایش مخفی نگه داشته میشد؛ چنین کسی را باید در ردیف اولین متهمان تجاوز به حقوق و آزادیهای فردی و شان و حرمت انسان قرار داد. اتحاد مقدس ریگان و تاجر و بوش و بلیر و پاپ علیه کمونیسم کاملاً قابل فهم است. آنها سازمان دهندگان و محافظان نظام وارونه سرمایه داری هستند؛ کمونیسم جنبشی برای زیر و رو کردن این نظام. آنها دنیا را روی کله اش قرار داده اند؛ کمونیسم میخواهد این دنیا را روی قاعده اش قرار دهد. آنها انسان را از هویت انسانیش بیگانه کرده اند؛ کمونیسم جنبشی برای بازگرداندن هویت انسانی به انسان است. آنها سازماندهندگان و مبلغین فقر فاحش طبقاتی هستند؛ کمونیسم جنبشی برای رفاه برای همه انسانهاست. آنها اشاعه دهندگان خرافات هستند؛ کمونیسم جنبشی برای رهایی بشر از هر خرافه

مشاور رسمی این نماینده خدا در باره مسائل اقتصادی بشر ملائکه آسمانی نبودند بلکه مدیر قبلی صندوق جهانی پول بود که ۱۳ سال با شقاوت تمام امنیت برای سرمایه وعدم امنیت برای انسانها را پیش برده بود.

این ادعا که پاپ با مبارزه علیه کمونیسم، برای آزادیهای فردی در بلوک شرق مجاهدت میکرد را فقط یک ساده لوح مسحور تبلیغات مدیای دست بسته سرمایه داری باور میکند. اتحاد مقدس واتیکان و کاخ سفید، سرمایه داری دولتی بلوک شرق را کمونیسم قلمداد کردند تا حمله شان به آرمانهای انسانی کمونیسم را توجیه کنند. کسی که زنان یعنی نیمی از مردم جهان را آدم حساب نمیکند و حتی لایق کشیش شدن هم نمیداند؛ کسی که طلاق و خواست جدایی را تکفیر میکند؛ کسی که واتیکان را به یک امپراطوری در بسته مافیایی تبدیل کرد که حتی داد کشیشهای وفادارش را از شدت توتالیتریسم واتیکان در آورد؛ کسی که حتی کوچکترین همراهی برخی کشیشها در آمریکای لاتین با مبارزات عدالتخواهانه مردم را با طرد و توییح جواب میداد؛ کسی که روز روشن می دید فقط در آفریقا هر روز ۶ هزار انسان از بیماری ایدز میمیرند و ۲۵ میلیون نفر مبتلا به این بیماری در انتظار مرگ هستند و با این وجود صلیب بردوش دور جهان میچرخید و پیروان بخت برگشته اش

نه خیر. این مطلقاً يك اتفاق صرف تاریخی نبود. هیچ شخصیتی در تاریخ محصول اتفاق نیست. مفسری، انتخاب کشیشی از لهستان- کشوری از اردوگاه شرق و به قول مدیای حاکم اردگاه کمونیستی - به مقام پاپ اعظم در اوج جنگ سرد را يك اعلامیه سیاسی از طرف سرمایه داری جهانی علیه کمونیسم نامیده است. و این دقیقاً همان زمینه مشترکی بود که بر متنش، خمینی را به مقام رهبری يك انقلاب - و به عبارت درستتر، رهبری سرکوب يك انقلاب - رساندند. مبارزه با کمونیسم، مبارزه با آرمان برابری طلبانه و آزادیخواهانه، تمام رمزجنگ سردی عروج دو عزیز دردانه سرمایه داری جهانی در دنیای مسیحیت و اسلام، تمام رمز در پنبه نگه داشتن و به عرش اعلی بردن پاپ و خمینی توسط سرمایه داری جهانی در مقطع سال ۱۹۷۹ است. همانهایی که پاپ را برای مبارزه با کمونیسم و عدالتخواهی انسان حدادی کردند و به "قهرمان آزادی بشر" ملقبش کردند، خمینی را هم برای مبارزه با برابری خواهی مردم ایران به رهبر سیاسی تبدیل کردند. و بازم این يك اتفاق صرف تاریخی نبود که درست در همین مقطع آدمکش قهاری مثل بن لادن، توسط همان پشتیبانان پاپ و خمینی، به عنوان "جنگنده راه آزادی" برای جهاد مقدس با کمونیسم تا خرخره مسلح شد.

کارناوال خیره کننده و عظیم و شنیعی که امروز در مرگ پاپ راه انداخته اند، در حقیقت يك اظهار قدردانی سران جهان سرمایه داری از مردی است که در مبارزه با آگاهی و آزادی و برابری، در اشاعه خرافات و جهل مجاهدت خستگی ناپذیر کرده است. با تششع جنازه مشعشان دارند با يك متحد مقدس وداع میکنند. به يك دشمن سرسخت برابری طلبی و آزادی انسان ارج مینهند. همیشه اینچنین بوده است. مناسبات طبقاتی را همیشه از زمین و آسمان متحد پاسداری کرده اند. اگر ریگان و تاجر و بوش و بلیر پاسداران زمینی سرمایه هستند؛ پاپ و اسام و خاخام پاسداران